

بررسی و تحلیل گفتمان اخبار خشونت خانگی در بستر رسانه‌های مجازی

چکیده

هدف این پژوهش بررسی گفتمان‌های ناشی از رواج اخبار خشونت خانگی در بستر رسانه‌های مجازی (اینستاگرام، تلگرام و واتساپ) در اجتماع است. پژوهش حاضر با روش تحلیل گفتمان انتقادی انجام شده است؛ نمونه پژوهش شامل ۱۵ زن و مرد متأهل شهرستان خرم آباد بود که به روش هدفمند از بین افراد در دسترس با توجه به ملاک‌های رغبت برای شرکت در پژوهش، استفاده روزانه از رسانه‌های مجازی (حداقل ۲ ساعت در روز)، تحصیلات دانشگاهی و سلامت جسمانی و عقلانی در سال ۱۴۰۰ انتخاب شدند. مصاحبه به صورت نیمه ساختاریافته و براساس محورهای نظریه لاکلا و موفه انجام شد. نتایج نشان می‌دهد که رواج اخبار خشونت خانگی در رسانه‌های مجازی، برآمدن گفتمان غالب ناامنی اجتماعی و از بین رفتن ارزش‌ها است؛ دال مرکزی شکل گرفته حول محور بی‌ثباتی و بی‌اعتمادی اجتماعی، قابل بحث است که با مضامین هم‌ارز، ساختار خود را شکل می‌دهد تا در نهایت هویت مخاطب حاضر در صحنه، هویتی بحران زده و تحت فشار ترسیم شود که گفتمان‌های حاکم بر او، به ضدیت و مخالفت با جهان‌بینی‌های ثابت و ارزشی وی می‌پردازند. راهبردهایی همچون، سواد رسانه‌ای، آگاهی از مسائل اجتماعی، افزایش تمایز یافتگی فردی و اجتماعی، استحکام پیوندهای اجتماعی و خانوادگی و کسب فلسفه مستحکم وجودی و ارزشی می‌تواند ساختار شکن گفتمان غالب باشد. در نتیجه می‌توان گفت که شناخت فرایند پیش رو و تلاش در گفتمان‌سازی‌های متقابل، متناسب با بافت فکری، فرهنگی و ارزشی جامعه ایرانی اسلامی، می‌تواند از گسترش آسیب‌های اجتماعی از جمله خشونت خانگی جلوگیری کند و سبب تحکیم ارزش‌های فردی و اجتماعی شود.

کلید واژه‌ها: تحلیل گفتمان؛ اخبار خشونت خانگی؛ رسانه‌های مجازی

انتشار

امروزه جهان، جهانِ واقعیت‌های مطلق و ثابت نیست، بلکه واقعیت‌ها ساخته می‌شوند و در جایگاه حقایق نمایان می‌شوند. به لحاظ هستی‌شناسی^۱ این نوع نگاه برخاسته از جنبش‌های نوین سازه‌گرایی^۲ و پست مدرنیسم **است** که بر این باور است که حقایق ثابت بیرونی وجود ندارند و تنها از طریق **گفتمان**^۳ است که این حقایق بازنمایی می‌شود. در این بازنمایی، زبان حقیقت را ایجاد می‌کند و تغییر می‌دهد. جهان اجتماعی محصول گفتمان‌هاست و حتی کنش انسان را نیز متناسب با این حقیقت تولید می‌کند (مقدمی، ۱۳۹۰). به عبارت دیگر؛ گفتمان چارچوبی برای فهم امور است که درک دنیا از دریچه ذهن را به عنوان یک اصل پذیرفته است و باور ندارد که پدیده‌ها خارج از اصول زبانی و گفتمانی معنایی داشته باشند (قاسمی، ۱۳۹۴).

گفتمان و قدرت، واژگانی جدای ناپذیرند. قدرت ابزاری در اختیار افراد، گروه‌ها، احزاب یا دولت است و ادعا می‌شود که **عمل** گفتمان به خلق و بازتولید روابط نابرابر قدرت، ایجاد طبقه، اقلیت‌ها و اکثریت‌ها، ظلم، تعدی، مصرف‌گرایی، تقویت نظام سرمایه داری و غیره منجر می‌شود (وندایک^۴، ۲۰۱۷). **فوکو**^۵ به عنوان یک اندیشمند اثرگذار در جریان گفتمان‌ها بر این نظر بود که گفتمان نه تنها همیشه ریشه در قدرت و دلالت بر قدرت دارد؛ بلکه از جمله نظام‌هایی هستند که قدرت از طریق آن‌ها دست به دست می‌چرخد. به بیان دیگر فوکو در پی یافتن پاسخی برای این پرسش بود که چه شرایطی در هر زمانه‌ای مشخص موجب می‌شود که گونه‌های خاصی از گفتارها به کار برده شوند و رواج یابند. در عوض بسیاری دیگر از عبارات و اظهاراتی که هم از نظر قواعد زبان و هم از حیث اصول منطقی صحیح‌اند، استفاده نشوند و **نادیده گرفته شوند (هوک^۶، ۲۰۰۷)**.

امروزه در نظام نو پدید جهانی، رسانه‌ها^۷ یکی از اشکال محوری قدرت در جوامع هستند، عصری که در آن رسانه‌های گروهی جزو جدایی‌ناپذیر زندگی ما شده‌اند. رسانه‌ها با اتخاذ سیاست‌های متفاوت ارتباطی تغییرات فرهنگی در جوامع را ایجاد و تسریع می‌بخشند (عظیمی، شکرخواه، ۱۳۹۴). رسانه‌ها به دلیل داشتن مخاطبان بسیار قدرت عظیمی در گفتمان‌سازی‌های اجتماعی و سیالیت فرهنگی و ایدئولوژی حاکم بر هر اجتماعی را دارند. آن‌ها نماینده فرهنگ، سیاست و خط مشی افراد در جامعه هستند و کارشان واقعیت‌سازی با استفاده از زبان است. تصویری که رسانه‌های مختلف از یک رویداد یا واقعیت ترسیم می‌کنند، بسیار متفاوت است. درست است که در عالم واقعیت تنها یک رویداد اتفاق افتاده است؛ اما در عالم رسانه‌ها چندین تصویر از آن ترسیم می‌شود یعنی واقعیتی را تحریک می‌کند که نابرابری‌های اجتماعی از دید آن رویداد پوشیده و مسکوت می‌ماند (آقا گل زاده و دهقان، ۱۳۹۲). در قلمرو رسانه‌های گروهی، برنامه‌های رادیو و تلویزیون و فیلم‌های سینمایی و موسیقی کارکرد ذهن مخاطب را مورد یورش قرار داده و با افسون خود ذهن آدمی را به دام می‌اندازد و با این کار راهی برای تمییز امور عقلانی از پدیدارهای عقل ستیز باقی نمی‌گذارد (مددپور، ۱۳۹۳).

¹ontology

²constructivism

Discourse ^۳

Van Dijk, T. A ^۴

Focault, m ^۵

Hook, D ^۶

⁷media

رسانه‌ها در این رقابت نفس گیر در پی سوژه‌های جنجالی و رویدادهای پرتنشی هستند تا بیش از پیش مخاطب را درگیر خویش نمایند. یکی از این سوژه‌های همواره جذاب برای رسانه‌ها، مبحث خشونت و به طور خاص خشونت خانگی است. خشونت خانگی شامل هر نوع سوء استفاده جسمی، جنسی و روانی است که در روابط خانوادگی بر افراد وارد می‌شود (راد و سبزواری، ۲۰۱۵). اهمیت این مسئله از آن جهت است که آمار خشونت خانگی در جهان و در ایران در حال افزایش است (صادقی، ۱۳۹۵). **آمارهای جهانی در یک برآورد در سال ۲۰۱۳ نشان می‌دهند که تقریباً ۷ درصد از زنان و ۵ درصد از مردان خشونت خانگی را تجربه کرده‌اند که به طور تقریبی ۱/۲ میلیون زن و ۸۰۰۰۰۰ مرد قربانی چنین خشونت‌هایی بوده‌اند (دار، ۲۰۱۳). همچنین میزان خشونت خانگی در سال‌های اخیر همزمان با پاندومی کرونا به میزان ۳۰-۱۰ درصد در سطح جهانی افزایش داشته است (شارما و بورا، ۲۰۲۰). براساس تحقیق جهان جناقرد (۱۳۹۹) در ایران نیز آمار خشونت خانگی به خصوص در زنان در سال‌های اخیر افزایش یافته است. رسانه‌های خبری نقش اساسی‌ای در شکل‌دهی به ادراکات و باورهای اجتماعی پیرامون رویدادهای اجتماع از جمله خشونت خانگی دارند (گلسپی و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۳). در فرهنگ رسانه‌ای منطق بازنمایی و تصویر، تابع متغیرهای اجتماعی نیست، بلکه این متغیرهای اجتماعی و رویدادهای اجتماعی است که تابع منطق تصویری است؛ یا به بیان دیگر می‌توان گفت رسانه‌های همگانی آینه و پژواک پدیده‌های اجتماعی نبوده، بلکه این جامعه است که خود به تمامی بازتاب جهان است. یعنی در این عصر جهان پدیدار، در دل رسانه‌ها **دگرگون** می‌شود و تصاویر تلویزیونی قوام‌بخش صورت‌های گوناگون رویدادهای اجتماعی است (مددپور، ۱۳۹۳). قدرت خیره‌کننده رسانه‌ها در گفتمان‌سازی و جلوه دادن مسائل اجتماعی و ظرفیت بالقوه آنان در شکل‌دهی به اخبار به شیوه‌های گوناگون این سؤال را مطرح می‌کند که رسانه‌ها در پوشش‌دهی خبری خشونت خانگی چه نقشی ایفا می‌کنند (بولاک و کوبرت^{۱۲}، ۲۰۰۲).**

رسانه‌ها در برخورد با سوژه‌های خبری، همانند یک شمشیر دولبه عمل می‌کند و می‌توانند هم به مهار این رویداد کمک کنند و هم به آن دامن بزنند. در چنین سناریویی تنها رسانه‌ها و رویدادهای اجتماعی و تفسیری که از آن آرایه می‌شود اهمیت ندارد، بلکه مخاطب اخبار، دیگر جزء مهمی است که می‌تواند در این تعامل سه گانه، به صورت منفعل یا فعال عمل کند (شریعتمدار و قاسمی نیائی، ۱۴۰۰). با توجه به تأثیر عظیم رسانه‌ها در گفتمان‌سازی و خلق ایدئولوژی اخیر از بعد آمار جهانی و آمار داخلی و بازتاب گسترده خبری پیرامون خشونت خانگی؛ اهمیت پژوهش در این زمینه بیش از پیش حیاتی به نظر می‌رسد، به گونه‌ای که امروزه استراتژی نوین در مدیریت بحران‌ها، استفاده از ابزار و کنترل اذهان مخاطب و از سویی با توجه به افزایش جرایمی چون خشونت خانگی در سال‌های اخیر؛ فنون و تدابیر اثربخش پیشگیری و مقابله با آن قبل از وقوع است (**صنایعی و همکاران، ۱۴۰۰**). بنا به آنچه گفته شد، یکی از رویکردهای پژوهشی در بررسی ابعاد اجتماعی و روان‌شناختی پیرامون اخبار و رسانه‌های جمعی، استفاده از رویکردهای انتقادی و تحلیل گفتمان است؛ در همین راستا، محقق در صدد است با توجه به نقش رسانه‌ها در بازتاب رویدادهای اجتماعی و خلأ تحقیقات کیفی و انتقادی در این زمینه و از سویی افزایش اخبار مرتبط با رواج خشونت خانگی در ایران، به بررسی گفتمان‌های حاضر در اخبار خشونت خانگی در بستر فضای مجازی در سه پیام رسان اینستاگرام، تلگرام و واتساپ بپردازد تا با کشف

⁸Rad, M., & Torkmannejad Sabzevari, M

Dar, A¹

Sharma, A., & Borah, S. B^{۱۰}

¹¹Gillespie, L. K., Richards, T. N., Givens, E. M., & Smith, M. D

¹²Bullock, C. F., & Cubert, J

گفتمان‌های پنهان در این اخبار، به ابعاد زمینه ساز و محوری آنها دست یابد و در نهایت به ارائه یافته‌هایی در راستای برون رفت از این بحران پردازد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی است که با روش تحلیل گفتمان انتقادی لاکلا و موفه^{۱۳} انجام شده است. تحلیل گفتمان^{۱۴} از زیر شاخه‌های زبان شناسی به شمار می‌آید، به مطالعه زبان در ورای مرزهای جمله، مطالعه روابط متقابل زبان و جامعه و مطالعه خصایص تعاملی و گفتگویی ارتباط روزمره می‌پردازد (سلمبروک^{۱۵}، ۲۰۰۲). در تحلیل گفتمان انتقادی^{۱۶} موضوع اصلی تحقیق کردارهای گفتمانی و زبانی هستند که هم بازنمایی‌هایی از جهان، سوژه‌های اجتماعی و روابط اجتماعی در بر می‌سازد و هم در پیشبرد منافع گروه‌های خاص نقش ایفا می‌کند (آقاگل زاده و طارمی، ۱۳۹۵). در میان نظریات مطرح شده در خصوص ساخت و کارکرد گفتمان، نظریه گفتمان لاکلا و موفه به دلیل تبیین و تشریح روابط بین عناصر شکل دهنده یک گفتمان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

روش تحلیل گفتمان انتقادی لاکلا و موفه روشی توصیفی-تحلیلی و انتقادی (نئو مارکسیستی^{۱۷}) و متعلق به حوزه‌های دیدگاه‌های پسامردن و پساساختارگرایانه است که با وارد کردن مفاهیمی نظیر قدرت، سیاست و ایدئولوژی در تحلیل خود می‌تواند ظرفیت نقد تحلیل‌های خویش را ارتقا بخشد. این دیدگاه انتقادی بر گفتمان لیبرالیستی در اصلاح مارکسیست سنتی برای برون از بحران دنیای چپ است که از طریق تاکید بر آزادی و برابری و تعمیق آن صورت می‌گیرد (لاکلا و موفه، ۱۹۸۵). در این نظریه بنا به هدف انتقادی، محورهایی مورد بررسی قرار می‌گیرند که می‌توان به ذکر پاره‌ای از آنان پرداخت.

گفتمان؛ کلیتی را که در نتیجه کردار مفصل‌بندی حاصل می‌شود را می‌گوییم (لاکلا، ۱۳۹۳). **هژمونی**^{۱۸}؛ این مفهوم ناظر به این است که در ساحت سیاست و اجتماع چه کسی برتر است. به عبارت دیگر کدام نیروی سیاسی درباره شکل‌های مسلط رفتاری در جامعه تصمیم خواهد گرفت. اگر افکار عمومی معنایی را برای یک دال هر چند موقت بپذیرند، در آن صورت آن دال هژمونیک می‌شود؛ هژمونیک شدن دال‌های دیگر به معنای هژمونیک شدن کل نظام معنایی و نهایتاً گفتمان و هویت آن می‌شود. تثبیت موقت هویت‌ها، مهم‌ترین کار ویژه هژمونی است. از دیگر کارکردهای هژمونی جایگزینی سلطه به جای زور و عادی و طبیعی جلوه دادن قدرت و مطابق حقیقت نشان دادن آن با واقع است (مقدمی، ۱۳۹۱). **مفصل بندی**^{۱۹}؛ مفصل بندی قرار دادن پدیده‌هایی در کنار یکدیگر است که به طور طبیعی در کنار هم قرار ندارند. براساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه، مفصل بندی عبارت است از تلفیقی از عناصری که با قرار گرفتن در مجموعه جدید، هویتی تازه می‌یابد (فیلیس و یورگسن، ۱۳۸۹). از این رو هویت یک گفتمان بر اثر رابطه‌ای که از طریق عمل مفصل‌بندی میان عناصر گوناگونی پدید می‌آید (هویت ارتباطی) شکل می‌گیرد (تاجیک، ۱۳۷۹). **دال**

Laclau, E., & Mouffe, C^{۱۲}

^{۱۴}Discourse analysis

^{۱۵}Slembrouck, S

^{۱۶}Critical discourse analysis

^{۱۷}Neo_marxism

^{۱۸}hegemony

^{۱۹}articulation

و مدلول؛ چیزهایی مانند اشخاص، نمادها، کلمه‌ها، مفاهیم و... که در داخل گفتمان خاص و بر معنایی خاص دلالت می‌کنند، دال نامیده می‌شوند و معنایی که دال بر آن دلالت می‌کند، مدلول خواهد بود (لاکلا، ۱۳۹۳). **دال مرکزی**^{۲۰}؛ دال مرکزی دالی است که سایر دال‌ها در اطراف آن جمع می‌شوند و نقطهٔ ثقل همه دال‌ها و انسجام بخشی آنها است. اهمیت دال مرکزی از اینجا ناشی می‌شود که لاکلا و موفه ظهور یک گفتمان را از طریق تثبیت معنا حول گره گاهی خاص می‌داند (لاکلا و موفه، ۱۹۸۵). **دال تهی**^{۲۱}؛ دال تهی بیانگر فضای خالی است و به عبارتی نشان از امر غایبی دارد. کارکرد دال تهی بازنمایی وضعیت آرمانی و مطلوبی است که گفتمان‌ها سعی در ارائه آن در بهترین وجه ممکن خویش دارند. از سویی دیگر این وضعیت بیانگر کوتاهی و قصور گفتمان حاکم در تأمین آن است. بنابراین معنادهی به دال خالی و ارائه تصویر جامعه مطلوب سبب پویایی و نشاط آن گفتمان می‌گردد (لاکلا، ۱۹۹۴).

همچنین از دیگر محورهای این نظریه می‌توان به موارد دیگری اشاره کرد، زنجیرهٔ هم‌ارزی^{۲۳}؛ بدین معنا که گفتمان‌ها از طریق زنجیرهٔ هم‌ارزی، تفاوت‌های موجود میان عناصر را از بین می‌برند و به وحدت و انسجام آنها کمک می‌کند. در این معنا عناصر خصلت‌های متفاوت و معناهای رقیب را از دست می‌دهند و در معنایی که گفتمان ایجاد می‌کند منحل می‌شوند. منطق هم‌ارزی، منطق ساده سازی فضای سیاسی است (مقدمی، ۱۳۹۰). **برجسته سازی و حاشیه رانی**^{۲۴}؛ در منازعات گفتمانی هر گفتمان با برجسته کردن نقاط قوت خود و نقاط ضعف رقیب و با پنهان کردن نقاط ضعف خود و نقاط قوت رقیب سعی در کشیدن هاله‌ای از قدرت دست نیافتنی به اطراف خود دارد. برجسته سازی و به حاشیه رانی شیوه‌ای برای حفظ و استمرار قدرت و دوام هژمونیک گفتمان است (مقدمی، ۱۳۹۰). **ضدیت و غیریت**^{۲۵}؛ فهم نظریه گفتمان، بدون فهم مفاهیم ضدیت و غیریت، ناممکن است. گفتمان‌ها اساساً در ضدیت و تفاوت با یکدیگر شکل می‌گیرند. گفتمان‌ها همواره در برابر خود غیریت سازی می‌کنند. گاه در برابر گفتمان، غیرهای متعدد وجود دارد که آن گفتمان از آنها در شرایط گوناگون و برای کسب هویت‌های مختلف استفاده می‌کند (پزشک زاده و همکاران، ۱۳۹۷). **هویت**^{۲۶}؛ در نظریه لاکلا و موفه هویت ثبات و از پیش تعیین شده نیست؛ هویت‌ها را گفتمان‌ها ایجاد می‌کنند و شکل‌گیری گفتمان، مقدم بر شکل‌گیری هویت هاست، بنابراین هویت‌ها، موقعیت‌هایی هستند که در درون گفتمان‌ها به فرد یا گروه اعطا می‌شوند (اسمیت^{۲۷}، ۱۹۹۸). **ساختار شکنی**^{۲۸}؛ هدف از ساختار شکنی از میان بردن ثبات معنا و شکست هژمونی گفتمان رقیب است، زیرا شکستن ثبات معنایی یک گفتمان در نهایت به از میان رفتن هژمونی آن گفتمان منجر خواهد شد (امیری، ۱۳۹۱).

در این پژوهش با توجه به هدف کشف گفتمان‌های حاضر در رواج اخبار خشونت خانگی در بستر فضای مجازی، تحلیل گفتمان انتقادی با این توجیه انتخاب شده است که می‌تواند از دل یک رویداد به مؤلفه‌های مرکزی و مرتبط دست یابد و به استخراج لایه‌های

nodal point²⁰

²¹empty signifier

²²Laclau, E

²³chain of equivalence

²⁴signify and marginalization

²⁵antagonism and otherness

²⁶identity

²⁷Smith, A. M

²⁸deconstruction

زیرین اجتماعی و متأثر از قدرت در یک رویداد خاص برسد. در بستر فضای مجازی، پیام رسان‌های اینستاگرام، تلگرام و واتساپ به دلیل استفاده گسترده عموم و مخاطبان بسیار به عنوان بستر مطالعاتی انتخاب شدند. در این پژوهش نمونه مورد نظر شامل بزرگسالان ۵۰-۲۰ سال شهرستان خرم‌آباد بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند ۱۵ نفر زن و مرد بزرگسال انتخاب شد. داده‌های پژوهش بعد از مصاحبه با ۱۱ نفر به اشباع رسید و برای اطمینان از اشباع نظری، مصاحبه با ۴ نفر دیگر ادامه یافت و در مجموعه با ۱۵ نفر در سال ۱۴۰۰ مصاحبه شد. مصاحبه انجام شده با شرکت‌کنندگان از نوع نیمه‌ساختار یافته بود و زمان هر مصاحبه حدوداً یک ساعت به طول انجامید. ملاک ورود افراد در این پژوهش، استفاده از پیام رسان‌های اینستا، تلگرام و واتساپ در حداقل زمانی ۲ ساعت در روز، پیگیری اخبار و رویدادها در فضای مجازی، بازه سنی ۲۰-۵۰ سال، داشتن مدرک تحصیلی در مقاطع دانشگاهی، سلامت روانی و عقلانی و رغبت برای شرکت در پژوهش بود.

به دلیل شرایط اپیدمی کرونا، مصاحبه‌ها در بستر مجازی و در پیام‌رسان واتساپ، به صورت نوشتاری و شنیداری انجام شد. قبل از انجام مصاحبه هدف پژوهش و اهمیت اصل رازداری برای مصاحبه‌شوندگان تشریح شد و با رضایت کامل آنها متن مصاحبه ذخیره و مورد استفاده قرار گرفت، محورهای این مصاحبه شامل بررسی احساسات و افکار مصاحبه‌شوندگان بعد از شنیدن اخبار خشونت خانگی، دیدگاه آنان نسبت به قربانیان و افراد عامل در خشونت خانگی، دیدگاه افراد نسبت به شرایط اجتماعی و قوانین حقوقی و فرهنگی و همچنین بررسی علل آسیب‌پذیری و ارائه راهکارها در تقابل با اخبار منتشر شده توسط رسانه‌های مجازی (اینستاگرام، واتساپ و تلگرام) بود. بعد از انجام مصاحبه و پیاده‌سازی فایل‌های صوتی مرتبط با هر شرکت‌کننده، فرایند تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل لاکلا و موفه صورت گرفت. در این روش با توجه به مؤلفه‌های اساسی در این شیوه همچون، دال مرکزی، زنجیره هم‌ارزی، دال تهی، گفتمان و هژمونی غالب، مفصل‌بندی، برجسته‌سازی و ساختار شکنی، تلاش شد از دل متن مصاحبه، محورهای اصلی مذکور استخراج و در قالب یک الگوی پایانی در ارتباطی چند سویه و به شکل نهایی ارائه شود و مؤلفه‌ها در قالب گفتمان راه اندازی شده توسط رسانه‌ها، تجزیه و تحلیل و در نمای پایانی ترکیب شود. جهت اعتباریابی پژوهش و اطمینان به یافته‌های به دست آمده، کدگذاری توسط سه تن از اساتید مشاوره در دانشگاه علامه طباطبائی که با مباحث تحلیل گفتمان و زبان‌شناسی آشنا بودند، بررسی شد و یافته‌ها مورد تأیید آنها قرار گرفت. ضمن اینکه با استفاده از ملاک درگیری مستمر کدگذار با یافته‌های پژوهش و مرور چند باره متن مصاحبه‌ها و کدهای استخراج شده، تلاش شد تا یافته‌های حاصله، بازتاب دهنده دیدگاه مصاحبه‌شوندگان باشد.

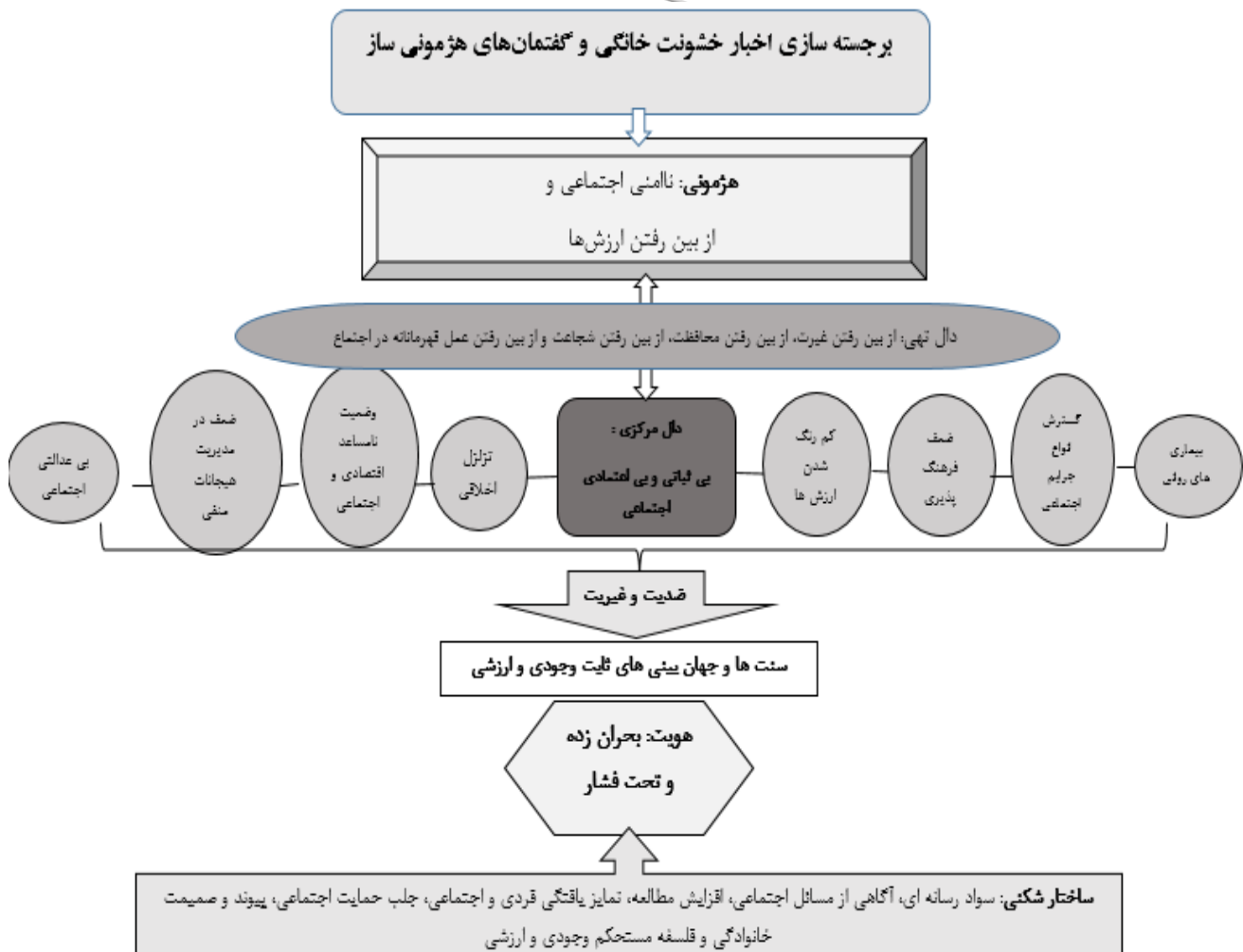
یافته‌ها

یافته‌های پژوهش براساس متن مصاحبه‌های انجام شده و بر محور نظریه لاکلا و موفه به دست آمده‌اند که در قالب مدل ترسیم شده، نمایش و در ادامه به توضیح و تشریح هر محور پرداخته شده است.

جدول شماره ۱: مشخصات جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان

جنسیت	سن	تحصیلات	وضعیت تأهل	تعداد	میزان استفاده از فضای مجازی
				فرزندان	

۵	-	مجرد	لیسانس	۲۲	زن
۵	-	مجرد	لیسانس	۲۵	زن
۵	-	متاهل	فوق لیسانس	۲۷	زن
۴	-	متاهل	فوق لیسانس	۲۷	زن
۳	۱	متاهل	دکتری	۲۸	زن
۴	۱	متاهل	لیسانس	۴۰	زن
۴	۲	متاهل	لیسانس	۴۳	زن
۴	۳	متاهل	دکتری	۴۷	زن
۴	-	مجرد	فوق لیسانس	۳۴	مرد
۴	-	مجرد	لیسانس	۴۰	مرد
۳	۳	متاهل	لیسانس	۴۲	مرد
۳	۱	متاهل	لیسانس	۲۸	مرد
۳	۱	متاهل	فوق لیسانس	۳۳	مرد
۲	۲	متاهل	لیسانس	۵۰	مرد
۲	۳	متاهل	لیسانس	۴۹	مرد



شکل شماره ۱: مدل ترسیمی گفتمان‌های پیرامون اخبار خشونت خانگی در بستر رسانه‌های مجازی

گفتمان‌های سلطه‌گر و گفتمان غالب: گفتمان‌های سلطه‌گر، حول محور گفتمان غالب، سبب ایجاد معانی بدیهی در ذهن

عموم می‌شود. در این پژوهش گفتمان‌های سلطه‌گری همچون «خشونت، ویژگی طبیعی انسانی»، «جدایی عمل از مجازات»، «قراردادی بودن اخلاقیات»، «خشونت به عنوان واکنش طبیعی به شرایط»، «قداست‌زدایی پیوندهای خانوادگی»، «خشونت، عملی حیوانی»، «قوانین ناکارآمد دینی و حقوقی» و «مخدوش بودن عدالت» تشکیل دهنده نوعی گفتمان غالب و مسلم بر اذهان عمومی است که حول محور ناامنی اجتماعی و از بین رفتن ارزش‌ها تعبیر و تفسیر می‌شوند. در این خصوص می‌توان به پاره‌ای از صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان اشاره کرد:

«انسان از هرچی منع بشه نسبت بهش حریص‌تر و کنجکاو تر میشه. شاید با پخش اینگونه اخبار فکر انجامش به سر یه عده بیوفته» (ای، آقا، ۳۶ ساله).

«من با خودم فکر می‌کردم که آدم‌ها حیوان شدن، دیگه هیچ قانون و قوانینی، هیچ اخلاقی بر اونها حکمرانی نمیکنه، خوی حیوانیت دارن، سوالات زیادی ذهنمو درگیر می‌کرد، انگار احساس می‌کردم تقد مرز حیوانیت و انسانیت باریکه که شاید خودم هم دست به این کار بزنم» (ف.ق، خانم، ۲۷ ساله).

«وقتی میبینی که نزدیکترین آدمها مثل فرزند و در مرتبه بالاتر پدر و مادر با وجود پیوند زیستی و عاطفی عمیقی که به دارن، دست به چنین کاری میزنن، در درجه اول باورهای نسبت به این پیوندها دچار تزلزل میشه. تقدسی که ارتباط والد فرزندی در ذهن ما داره، خدشه‌دار میشه و میفهمی که هر کاری از هرکسی برمیاد؛ فارغ از عمیق‌ترین ارتباطات و احساسات» (ن، خانم، ۲۸ ساله).

«خیلیا اینو میگفتیم تقصیر دولتمونه که قانونی نیست برای مجازات پدران و اونارو مجازت نمیکنه و اونا به خودشون این حقو میدانن ک فرزندشونو بکشن بدون هیچ مجازاتی» (ا، خانم، ۲۸ ساله).

«اون لحظه چه فکری سراغش اومده که تونسته این کارو بکنه؛ چه فشاری روش بوده و این فشار از کجا بوده که جنون بهش دست میاد این کارو میکنه» (ر، آقا، ۳۰ ساله).

«به نظرم چون مجازات و عاقبت کار رو منتشر نمیکنن؛ یعنی فقط در این حد که فقط خبر جنایت رو منتشر می‌کنند» (م، خانم، ۴۰ ساله).

«انگار هیچ چیز ثابت اخلاقی وجود نداره، وقتی که به مجرم هم حق میدیم، دیگه مشخص نیست کار غلط چیه و کار درست چیه» (ف.ق، خانم، ۲۷ ساله).

دال مرکزی: دال مرکزی شخص، نماد یا مفهومی است که هسته مرکزی را شکل می‌دهد، به گونه‌ای که سایر دال‌ها حول محور

آن به طور زنجیروار متصل می‌شوند و تحت گره‌گاه‌های خاصی مفصل‌بندی می‌شوند. در این پژوهش دال مرکزی برآمده از گفتمان آشوب ساز رسانه‌های مجازی در خصوص اخبار خشونت خانگی در «بی‌ثباتی و بی‌اعتمادی اجتماعی» شکل می‌پذیرد:

«خیلی از افرادی که دست به خشونت خانگی میزنن، افرادی هستن که مشکلات زیادی رو تو زندگیشون، تو بچگیشون تجربه کردن به نوعی سلامت روان ندارن» (ر، آقا، ۳۲ ساله).

«در بعد اجتماعی من فکر میکنم، وقتی جامعه‌ای تحت فشار باشه، نه فقط در بعد خشونت، بلکه در ابعاد دیگه، مردمش آمادگی روانی زیادی برای جذب اخبار منفی پیدا میکنن. حتی بعضی مواقع این اخبار منفی نوعی تسکین میشه برای مردمی که میخوان به خودشون برای در عذاب بودن، حق بدن و اینو دریافت کنن که اوضاع جامعه خیلی خرابه، پس بدون تحلیل بهش دامن میزنن» (ن، خانم، ۲۸ ساله).

«از لحاظ جامعه که هر چی رفاه مردم بیشتر باشه حتما بروز خشونت کمتر میشه، الان همه مردم جامعه درگیر داشتن یه زندگی ساده و معمولی هستن، هر روز خبر گرونی، خیر اختلاس، دزدی، خیانت، قتل و هزار تا چیز دیگه رو ما داریم از اخبار میشنویم، خب اینا همش تنش هستن و اسه به خانواده، همین‌ها باعث میشه که این فرد تو همچین جامعه‌ای که تمام و کمال درگیر خشونت هستن، خودشم درگیر خشونت بشه» (م، آقا، ۵۰ ساله).

«به نظر من وقتی افراد اخباری رو می‌شنون که در اون پدری یا شوهری زنش رو میکشه یا فرزندش رو میکشه ولی قانون برای اون مجازات خاصی در نظر نمی‌گیره، مردم نسبت به اخلاقیات و قوانین جامعه بدبین می‌شن» (ز، خانم، ۲۲ ساله).

- «به نظر من وقتی آدمای میبینی که فردی میتونه عزیزترین فرد زندگیشو اینجور فجیعانه بکشه، علاوه بر اینکه صمیمیت از بین میره، آدمای دیگه هیچ اعتمادی به حرف‌ها و پایبندی همدیگه به اخلاقیات ندارن و بعد از مدتی با پخش همچین چیزهایی کل جامعه نسبت به هم بدبین میشن» (ف.ق، خانم، ۲۸ ساله)

زنجیره هم‌ارزی: زنجیره هم‌ارزی گفتمان‌های هم‌ارز با دال مرکزی هستند که می‌توانند به تداوم دال مرکزی منجر شوند؛ هر چند این گفتمان‌ها در بحث تضاد، از مفهوم اساسی دال مرکزی جدا می‌شوند، ولی زنجیره هم‌ارز این گفتمان‌ها با دال مرکزی در نهایت ایجادگر گفتمان غالب می‌شود. در این پژوهش انتقال اخبار خشونت خانگی توسط رسانه‌ها در هسته دال مرکزی یعنی «بی‌ثباتی و بی‌اعتمادی اجتماعی» با مسائلی چون «کم‌رنگ شدن ارزش‌ها»، «ضعف فرهنگ‌پذیری»، «گسترش انواع جرایم اجتماعی»، «بیماری‌های روانی»، «تزلزل اخلاقی»، «وضعیت نامساعد اقتصادی و اجتماعی»، «**ضعف در مدیریت هیجانات منفی**» و «بی‌عدالتی اجتماعی» هم‌ارز است، که در این خصوص می‌شود به صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان اشاره نمود:

- «از جنبه‌ی اجتماعی هم همیشه گفت، اگر فرهنگ اون جامعه با خشونت مخالف باشه و موافق صلح و انسانیت باشه، خب باعث میشه بیشتر در برابر خشونت حساس باشن، البته بعضی‌ها هم کلاً تحت فشارن و خودشون از لحاظ روانی در برابر این مسائل آسیب‌پذیرن» (ز، خانم، ۴۵ ساله).

- «وقتی توی جامعه بین زن و مرد و بین والد و فرزند نقد تفاوت هست، طرف میبینه حتی اگر زنشو یا بچشو بکشه هیچ اتفاقی نمیفته؛ پس چرا نخواد این کارو بکنه» (ف.ق، خانم، ۲۷ ساله).

- «بزرگترین عامل به نظر بنده فقر فرهنگی هستش، تا یک جامعه از نظر فرهنگی به اون سطح تکامل نرسه با شنیدن هر خبر دچار ناهنجاری و هرج و مرج میشه به شکلی که بحث داغ مجالس میشه. یه موضوع دیگه بیکاری و فقر هستش اگه جامعه‌ای افرده‌اش شاغل باشن و از نظر مادی تأمین باشن، وقت فکر کردن به اینگونه مسائل رو ندارن چه برسه به اینکه بخوان تحت تأثیر قرار بگیرن» (ای، آقا، ۳۶ ساله).

- «نسل جوون دیگه ارزش‌های پدر و مادرشون رو نمی‌پذیرن، جامعه دیگه از لحاظ فرهنگی منسجم نیست این تضاد فرهنگی با ورود یک سری طرز فکرهای غربی باعث شده خشونت هم در جامعه زیاد بشه و آدمها اون احترام و علاقه‌ای که در بین مردم ایرانی و مسلمان بوده رو دیگه نشون ندن» (ر، آقا، ۳۲ ساله).

- «وقتی انواع جرایم توی جامعه زیاد میشه خود به خود نوعی عادی‌سازی رخ میده و باعث میشه هر کسی به خودش اجازه همچین کاری رو بده» (ف.ب، خانم، ۲۵ ساله).

مفصل بندی: مفصل بندی عامل اتصال مؤلفه‌های هم‌ارز با دال مرکزی است. یعنی مؤلفه‌های هم‌ارز در ظاهر ممکن است به مباحث متفاوت و گوناگونی پردازند ولی با استفاده از مفصل بندی پیرامون دال مرکزی به یکدیگر متصل می‌شوند و با هم در ایجاد گفتمان غالب مشارکت می‌کنند. در این پژوهش مفصل بندی مفاهیم حول محور «عادی شدن خشونت»، «همدلی با مجرم»، «حمایت ضمنی و تأیید عمومی جرم»، «قرار دادن عموم در موضع قضاوت»، «زیر سؤال بردن قوانین حقوقی و اخلاقی» و «واکنش به شرایط اجتماعی» دیده می‌شوند، پاره‌ای از سخنان مصاحبه‌شوندگان پیرامون این مبحث بدین شرح است:

- «مثلاً شوهری همسرشو تو حموم با اسلحه به قتل رسونده، بعد رسانه‌ها قاتل رو مته کسی که کار خیلی خوبی انجام داده معرفی میکنن، توضیح کامل میدن بازسازی صحنه هارو کامل منتشر میکنن» (م، خانم، ۴۰ ساله).

- «رسانه‌ها با سر بسته نشون دادن اخبار و مبهم نشون دادن حق و عدالت افراد رو در موضع قضاوت قرار میدن که برخی هم گاهی طرفدار مجرم میشن و حق رو به اون میدن» (ف.ق، ۲۷ ساله).

- «سؤال اینجاست که خشونت در ابعاد فجیعش آیا ریشه در یک بیماری روانی داره یا ممکنه در قالب یک عمل و عکس‌العمل به شرایط اجتماعی باشه و اتفاق بیفته» (ن، خانم، ۲۸ ساله).

- «به نظرم رسانه‌ها همیشه جانب عدالت رو نمیگیرن، ولی میتونه خیلی تأثیر داشته باشه، معروفیت یه پرونده یا اون اشخاص در سرنوشت همچین پرونده‌ایی میتونه باعث ورود سازمان‌های حقوق بشر یا حامی حقوق کودک در بحث کودک آزاری باشه» (ر، آقا، ۳۲ ساله).

- «علاوه بر اینها گاهی آدمها خودشون اخلاقیات برآشون کم رنگ شده، گاهی تو سطح جامعه بی‌اعتمادی هست نسبت به مدیریت یا اندیشه و عقایدی که توی جامعه هست، گاهی امنیت مالی و اجتماعی آدمها در خطر و باعث میشه نگاه و توجهشون خیلی حساس‌تر باشه به این اخبار یعنی وقتی خودشون آرامش ندارن باعث میشه به این اخبار حساس‌تر بشن» (ف.ق، خانم، ۲۷ ساله).

دال تهی: دال تهی نشان دهنده وضعیت مطلوب و آرمانی‌ای است که در گفتمان موجود غایب است. شرایطی که گفتمان‌های رقیب بر آنها تأکید می‌کنند تا در گفتمان غالب تزلزل ایجاد کنند. دال تهی نشان دهنده آرمانی است که در گفتمان حاضر مطرح می‌شود ولی در عمل اجرا نمی‌شود، یعنی نوعی آرمان تو خالی. دال تهی در این پژوهش حول محور «تغییر گفتمان و کم رنگ شدن معنای غیرت»، «کم رنگ شدن معنای محافظت»، «کم رنگ شدن معنای شجاعت» و «کم رنگ شدن معنای عمل قهرمانانه» در اجتماع است. چنین تغییر گفتمانی حول محور این مفاهیم و به نوعی تو خالی شدن آنها سبب ساز زمینه‌های افزایش خشونت خانگی در جامعه می‌شود؛ در این باره به برخی از صحبت‌های مصاحبه شونده‌گان اشاره می‌شود:

- «گاهی این افراد بنظر می‌رسد که میشن یک قهرمان، مثلاً لقب غیرتی بهشون میدن، لقب یک فردی که حافظ اخلاقیات خانواده‌ش، لقب یه آدم جسور، یه آدم زرنگ و یک آدم قوی رو به دست میارن که میتونن همچین جرم‌هایی انجام بدن، شاید این چیزا باعث بشه مردم بیشتر به این سمت ترغیب بشن» (ف.ق، خانم، ۲۷ ساله).

- «بعضیا فکر می‌کنن هر چی خشن‌تر باشن تو خانواده بیشتر روشون حساب می‌کنند، بیشتر به هدفشون میرسن، خودشون رو آدم‌های قوی‌تری می‌دونن، خودشون رو آدم‌های شجاعی میدونن فکر میکنن هرکی خانوادشو اذیت کنه شجاع تره» (ای، آقا، ۳۶ ساله).

- «اعتقاد دارم تعصبات و سنت‌های غلط یکی از دلایل میتونه باشه که خیلی‌ام تأثیر داره، طرف ثابت کنه که من غیرتیم یا اینکه کسی که پدر و مادر خودشو کتک میزنه، مینواد اقتدار خودشو تو خونواده نشون بده» (ر، آقا، ۳۲ ساله).

- «برخی از محافظت فقط بعد خشن‌شو در نظر می‌گیرن و بعد صمیمیت و محافظت و مراقبت از اعضای خانوادشون رو نادیده می‌گیرند» (ن، خانم، ۲۸ ساله).

برجسته‌سازی و به حاشیه‌رانی: هدف از برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، تلاش برای حفظ گفتمان غالب با ترفندهایی است که گفتمان رقیب به کار می‌گیرد، برجسته‌سازی راهکاری است که گفتمان‌ها به واسطه آن خود را بزرگ جلوه می‌دهند و از این طریق خود را غالب و تثبیت می‌کنند. در این پژوهش رسانه‌ها با استفاده از تکنیک‌های محتوایی، بازنمایی خبر و انتشار خبر سعی در نشان دادن و تثبیت سلطه به راه افتاده شده حول محور ناامنی اجتماعی و از بین رفتن ارزش‌ها داشته‌اند که در این خصوص از راهکارهایی همچون؛ «تیتراهای جنجالی خبری، مصاحبه با قربانیان، ورود افراد معروف به جنجال رسانه‌ای، شرح جزئیات خشونت، بازسازی صحنه جرم، ربط خشونت خانگی با دیگر جرایم اجتماعی، تأیید و برجسته‌سازی رویداد، ارائه تفاسیر ضد و نقیض، نحوه خوانش خبر در رسانه، تنوع کانال‌های خبری، پخش گسترده خبری، و استفاده از تصاویر خشونت آمیز» سود می‌جستند. در این باره می‌شود به پاره‌ای از سخنان مصاحبه شونده‌گان اشاره کرد:

- «بنظرم اصلی‌ترین ویژگی شاید این باشه که عنوان اخبار رو جووری میگن که آدم رو کنجکاو میکنه که بره ببینه واقعا چه اتفاقی افتاده» (ف.ب، خانم، ۲۵ ساله).

- «خب زمانی که متن این اخبار رو همراه میکنن با جملات و واژه‌هایی که احساسات آدم رو تحریک میکنه بیشتر ناراحت کنندست یا زمانی که اون تصاویر رو با آهنگ و موسیقی‌های ناراحت کننده همراه میکنن، دلخراش تر میشه» (ز، خانم، ۴۵ ساله).

- «قطعاً از تصویر برداری این اتفاق، شکل گزارش دادن خبرنگار، اینکه حتی تو اخبار این خبر رو کجای مجموعه خبری‌شون قرار میدن همه اینا توی اثرگذاری خبر رسانه‌ای تأثیرگذاره» (م، آقا، ۵۰ ساله).

- «یکی از دلایل اینکه من اخبارو دنبال کردم همین بود، همه جا این اخبار کشتارو میدیدی، نمیشد بیخیالشون شد» (ا، خانم، ۲۸ ساله).

- «از سلبریتیا و بلاگرها هم استفاده میکنن واسه نشر به خبر، به بازیگر با پست یا استوری که میذاره کمک میکنه به نشر خبر» (ا، خانم، ۲۸ ساله).

- «ربط دادن مورد پیش آمده به موارد گذشته بدون بررسی تفاوت‌ها، مثلاً نام کوچک قربانی‌های چند اتفاق به ظاهر مشابه رو پشت سرهم ردیف میکنن تا مخاطبان با دیدن تعدد این اتفاقات فارغ از جنبه‌های متمایز هرکدوم، منقلب بشن» (ن، خانم، ۲۸ ساله).

- «از تحریک احساسات استفاده میکنن، یعنی به عنوان مثال با خانواده مقتول مصاحبه میکنن. یا واسه پرتیراژ بودن خبر معمولاً به فرد خاطی اتهامات دیگه‌ای میزنن که شاید طرف اصلاً اون وصله‌ها بهش نجسبه» (ای، آقا، ۳۶ ساله).

ضدیت و غیریت: گفتمان‌ها در ضدیت و غیریت با هم شکل می‌گیرند. در این پژوهش پدیده مرکزی ایجاد شده توسط جنجال رسانه‌ای، حول محور خشونت خانگی در ضدیت و غیریت با «سنت‌ها و جهان‌بینی‌های ثابت وجودی و ارزشی» است که به نوعی در دل مؤلفه‌های پیش گفته بدان اشاره شده است؛ به عنوان نمونه می‌توان به پاره‌ای از صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان اشاره کرد:

- «از فکرشم میترسیدم اینکه بخوام یک نفرو بکشم و مدام با خودم مرور می‌کردم و دغدغه فکریم شده بود که چطور یک آدم دست به چنین کاری می‌زنه، با خودش چی فکر می‌کنه، احساس بی‌معنایی، احساس پوچی و یه نوع بحران برام پیش اومد و در تعجب بودم و بهت، حس می‌کردم نمیتوانم هیچ کار دیگه‌ای رو انجام بدم چون همه چی برام رنگ باخته بود» (ف.ق، خانم، ۲۷ساله).

- «ذهنت مشغول میشه که چی میشه که چنین اتفاقی میفته، علت رو کجا باید جستجو کرد و کل نظام ارزشی و اخلاقیت زیر سؤال میره» (ن، خانم، ۲۸ساله).

- «به این فکر میکنم که چه چیزی باعث شده که اون احترام و صمیمیتی که قبلاً در بین خانواده وجود داشت به بدترین شکل یعنی خشونت بدل بشه» (ای، آقا، ۳۶ساله).

- «همیشه این ذهنیت سراغم میاد که چی باعث میشه یه آدم با عزیزانش این رفتارها رو داشته باشه یا اینکه اون لحظه چه فکری سراغش اومده که تونسته این کارو بکنه؛ یعنی اصلاً از نظر خودش کارش قابل توجه یعنی ممکنه کار خودشو درست بدونه مثل بابای بابک خرم‌دین» (ر، آقا، ۳۲ساله).

هویت: موقعیت و جایگاهی است که در دل گفتمان‌های غالب به افراد و گروه‌ها داده می‌شود. در این پژوهش به هویت افراد در گیر در بحران و آشوب رسانه‌ای حول محور خشونت خانگی در قالب «هویت بحران زده و تحت فشار» اشاره می‌شود:

- «اگر خودمو در نظر بگیرم بخاطر روحیه حساس و احساسی که دارم، بسیار تحت تأثیر قرار می‌گیرم، به خاطر شرایط عاطفی و خلأ‌هایی که تجربه کردم» (ا، خانم، ۲۸ساله).

- «تقریباً همون مسائل اجتماعی، یعنی فقر فرهنگی، بیکاری و فقر، پایین بودن سطح سواد اجتماعی و تحصیلی، مشکلات روحی و روانی، مسائل عاطفی و... شرایط آدم‌هاییه که تحت تأثیر این اخبار قرار می‌گیرن و بعضاً ممکنه خودشونم تو دام همچین کارهایی بیفتن» (ای، آقا، ۳۶ساله).

- «داشتن تجربه شخصی نزدیک به اتفاق، خلق و خوی تکانه‌ای داشتن، زودباور بودن و عدم توانایی تحلیل مسائل میتونه تو این افراد وجود داشته باشه و افرادی که خودشان به نوعی تحت بحران‌های ارزشی هستند از جمله افرادی هستند که بیشتر در برابر اخبار خشونت خانگی آسیب پذیر هستند» (ن، خانم، ۲۸ساله).

- «ببینید فیلم سینمایی ملی و راه‌های نرفته‌اش رو نمیدونم دیدید یا خیر دقیق به همین معضل جامعه پرداخته خشونت خانوادگی شدید خانواده‌ای که توش بزرگ میشی و شرایطی که از کودکی باهش بزرگ میشی خیلی تأثیرگذاره در این رابطه فقر مالی و فقر فرهنگی هم تأثیر بسزایی داره که متأسفانه جامعه ما همیشه باهش درگیره؛ همه اینها باعث میشه افراد در برابر اخبار خشونت خانگی آسیب پذیر باشن» (ر، آقا، ۳۲ساله).

ساختار شکنی: ساختار شکنی گفتمان‌ها و راهکارهای برون رفت از گفتمان غالب هستند که امید و ندای ظهور گفتمان رقیب را می‌دهند و با روی کار آمدن، سعی در از بین بردن و از میدان به در کردن گفتمان حاضر را دارند؛ در این پژوهش گزاره‌هایی چون «سواد رسانه‌ای»، «آگاهی از مسائل اجتماعی»، «افزایش میزان مطالعه»، «تمایز یافتگی فردی و اجتماعی»، «جلب حمایت اجتماعی»، «تقویت پیوند و صمیمیت خانوادگی» و «اتخاذ فلسفه مستحکم وجودی و ارزشی» به عنوان راهکار ساختار شکنانه برای برون رفت از گفتمان حاضر بیان شده‌اند که در این باره می‌توان به برخی از صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان اشاره کرد:

- «اول اینکه افرادی که تحت تأثیر این جو قرار نمی‌گیرن، سطح معلومات بالایی دارن، ممکنه طرف تحصیل کرده باشه یا اینکه با تجربه باشه دوم مشکلات جدید جامعه رو شناسایی کرده باشه چون مسائل این دوره زمنونه با ده سال پیش فرق میکنه» (ر، آقا، ۳۲ساله).

- «یه همچین کسانی قطعاً تویه جامعه کوچیکتر که خانوادشون باشه خیلی شرایط خوبی دارن که این اتفاقات نمیتونه به راحتی به همشون بریزه، شرایط خوب حتماً منظور شرایط مالی نیست، منظور شرایط عاطفی هستش، حتی اگر این اشخاص یه جاهایی هم تحت تأثیر قرار بگیرن، باز میتونن با درمیون گذاشتن با خانوادشون مشکل رو حلش کنن» (م، آقا، ۵۰ساله).

- «وقتی این اخبار رو میشنون منطقی برخورد میکنن، سعی میکنن با خودشون بگن که این افراد جهان بینی منفی و نادرستی داشتن ولی آدم میتونه با به دست آوردن یک جهان بینی، به هدف یک ارزش یا چیزهایی که برای آدم مهمه فاصل خودش رو با حیوانیت زیاد کنه، اخلاقیات رو سعی میکنن در خودشون زیاد کنه» (ف.ق، ۲۷ ساله).

- «به نظرم اقشار تحصیل کرده کسانی که به نوعی آگاهی و مطالعه دارن کمتر تحت تأثیر موج منفی این اخبار قرار میگیرند» (ز، خانم، ۲۲ ساله).

- «ممکنه توی باورشون زندگی رو پر از این چنین چالش‌هایی بدونن و به نظرشون رعایت انسانیت محض توی دنیا یک ایده آل باشه و این اتفاق‌ها توی دنیا طبیعی باشه.. چون دنیای مدینه‌ی فاصله نیست» (ز، خانم، ۴۵ ساله).

- «ویژگی مهم این افراد تمایز یافتگی عقلانی و هیجانیه. این افراد بیش از حد خوشبین نیستند بلکه توانایی اینو دارند که با وجود تأثیری که این اتفاقات داره یا خشمی که نسبت به مسائل اجتماعی دارند، بدون سوءگیری به مسائل بپردازند» (ن، خانم، ۲۸ ساله).

بحث و نتیجه گیری

گفتمان اساسی‌ترین مفهوم در نظریه لاکلا و موفه است؛ گفتمان‌ها جهت دهنده خط فکری افراد و ایجادگر جهان بینی عموم هستند. گفتمان‌ها به واسطه قدرت‌های حاکم می‌توانند اذهان عمومی را تحت تأثیر خود قرار دهند و به شکل دلخواه تبدیل کنند. چنین دیدگاه انتقادی‌ای تأثیر گفتمان سازی بر شکل‌گیری خط مشی افراد را مشخص کرده و این مسئله اهمیت گفتمان سازی متقابل در راستای حفظ اهداف فرهنگی و ارزش‌های وجودی هر جامعه‌ای را نمایان می‌کند و همزمانی و توجه به نیاز خاص فرهنگ سیال جامعه را مورد توجه قرار می‌دهد (برید نیکپور و رضاپور، ۱۳۹۲). **در این تعبیر هر جامعه‌ای که با گفتمان‌های مسلط در بستر فرهنگ خویش آشنا شود، می‌تواند با بهره‌گیری از ابزارها و شیوه‌های مناسب، در ایجاد گفتمان‌های مناسب و مفید به حال اکثریت جامعه خویش گام بردارد و از تحلیل رفتن فرهنگ خود در دل گفتمان‌های تزریق شده روزانه جلوگیری کند.**

در این پژوهش مجموعه گفتمان‌هایی همچون خشونت، ویژگی طبیعی انسانی؛ جدایی عمل از مجازات؛ تقدس‌زدایی پیوندهای خانوادگی؛ خشونت، واکنش طبیعی به شرایط و فشارها؛ مخدوش بودن عدالت و خشونت، عمل تحریک کننده و برانگیزاننده؛ شکل دهنده گفتمان غالب حول محور ناامنی اجتماعی و از بین رفتن ارزش‌ها است. گفتمان‌های رقیب سعی در آن دارند که با ایجاد و برجسته‌سازی ارزش‌های خویش به ضدیت با ارزش‌های حاکم بپردازند و جامعه را نسبت به ارزش‌های موجود بدبین و ناامید سازند (حسینی زاده و شفیعی اردستانی، ۱۳۹۶).

تأثیر گفتمان‌های آشوب ساز رسانه‌ای، پیرامون اخبار خشونت خانگی، ایجاد شدن نوعی بحران وجودی و ارزشی و تردید در باورهای اخلاقی جامعه است که خود این مسئله، می‌تواند با شرایط هم‌ارزی چون بروز و افزایش بیماری‌های روانی، وضعیت نامساعد مدیریتی و معیشتی افراد، ضعف در نظام باورها، فرهنگ پذیری ناقص و اشکال مختلف بی‌عدالتی و بی‌اعتمادی ملی، هر چه بیشتر حول محور دال مرکزی با پیام بی‌ثباتی و بی‌اعتمادی اجتماعی گردد هم آیند. **یعنی زمانی که پیام اصلی رسانه‌ها، رواج خشونت و از بین رفتن ارزش‌های انسانی در جامعه باشد و آن را با نظام فرهنگی و حقوقی جامعه و عدم برابری اقشار و جنسیت‌ها مرتبط سازد، مخاطب تحت فشار سایر عوامل هم ارز همچون، بیکاری، نامساعد بودن شرایط معیشتی، تناقض فرهنگی، ضعف معنویت و باورها، کارآمد نبودن سیستم مدیریت کلان و فشارهای روانی، دچار تزلزل باورها و ارزش‌ها و نوعی بحران وجودی می‌شود و نتیجتاً با ارزش‌های فرهنگی و باورهای رایج در فرهنگ خود احساس بیگانگی می‌کند. در چنین بستری، مخاطب اخبار در برابر گفتمان‌های غالب، آسیب پذیر است و در نوعی حالت بحران زده به جای موضع‌گیری فعال، واکنشی منفعل از خود نشان می‌دهد. همچنان که**

در پژوهش کارابولاتوا و همکاران^{۲۹} (۲۰۱۷) نشان داده شده است که گفتمان‌های ترویج شده تحت تأثیر بافت و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه هدف، می‌توانند دامنه تأثیرات متفاوتی داشته باشند.

چنین ارتباطاتی با مواردی همچون عادی سازی خشونت خانگی، همدلی با مجرم، تزلزل اخلاقی، قرار دادن عموم در موضع قضاوت با پیش زمینه بی‌ثباتی اخلاقی و بی‌عدالتی اجتماعی در کنار هم قرار می‌گیرند. در چنین شرایطی رسانه‌ها در تلاشند تا با برجسته کردن رویدادهای خشونت بار، پخش گسترده خبری، انتقال از طریق کانال‌های متنوع خبری، عادی سازی، ارایه تفاسیر ضد و نقیض، تحریک عواطف و هیجانات عمومی از طریق مصاحبه با قربانیان یا با بازسازی صحنه جرم و مخدوش کردن عدالت و کشاندن نگرش عموم به سمت تأیید جرم و همدلی با مجرم، از موضع خود دفاع کرده و زمینه ساز جنبش‌هایی شوند که با نظام‌های ارزشی و اخلاقی ثابت در جامعه به غیریت و مخالفت می‌پردازد. در چنین شرایطی توخالی شدن و به نوعی غیبت مفاهیمی چون غیرت، محافظت، شجاعت و عمل قهرمانانه و جایگذاری خشونت در درون مایه آنها و به نوعی تغییر ارزشی و معنایی این ارزش‌های فرهنگی و دینی، زمینه را برای بروز رفتارهای خشونت آمیز در بستر خانوادگی مهیا می‌کند.

زمانی که مردم با واژگانی چون غیرت، محافظت و شجاعت رو به رو می‌شوند، آنها را وابسته به فرهنگ و ارزش‌های دینی می‌دانند که پیش از این بر اثر بازی رسانه‌ای نسبت به آنها بدبین شده‌اند و یک سره به نفی آنها می‌پردازند. یعنی در این جنجال رسانه‌ای، درون مایه چنین واژگانی توخالی می‌شود و خود را با مفاهیم دیگری جایگزین می‌کند که از درون آن را فاسد و بی اعتبار می‌سازد. این درست همان نقطه آرمانی‌ای است که گفتمان‌های رقیب، سعی در بزرگ جلوه دادن آن و استفاده از آن به عنوان ابزاری برای تخریب گفتمان حاضر دارند.

بنا بر آنچه که گفته شد؛ مخاطب آسیب‌پذیر در برابر گفتمان سازی رسانه‌ای، به عنوان یک ابر قدرت در عصر حاضر، هویتی ضعیف، بحران زده و تحت فشار دارد که هر آن با بازی‌های رسانه‌ای به سویی کشیده می‌شود و ثبات شخصیتی و ارزشی او در معرض آسیب جدی قرار می‌گیرد. گفتمان‌های ترویج شده از طریق فضای مجازی می‌توانند به گسترش بحران‌ها و مخدوش کردن قضاوت عامه در رویدادهای اجتماعی دامن بزنند (کالیندر^{۳۰}، ۲۰۱۹).

در چنین فضایی افزایش آگاهی‌های فردی و اجتماعی در قالب افزایش سواد رسانه‌ای، آگاهی از مسایل اجتماعی، کسب اطلاعات، استحکام پیوندهای اجتماعی و خانوادگی و برجسته سازی ارزش‌های اخلاقی و دینی در راستای تحکیم هویت فردی و اجتماعی، می‌تواند زمینه ساز نوعی ساختارشکنی باشد که در مقابل گفتمان غالب ایستادگی می‌کند و گفتمان‌های متناسب با فرهنگ خود را به عرصه قدرت می‌رساند. پژوهش شارما و همکاران^{۳۱} (۲۰۱۹) نشان می‌دهد که مقابله با گفتمان سازی رسانه‌های مجازی و گسترش اخبار بعضاً نادرست، می‌تواند با افزایش سواد رسانه‌ای و بالا بردن دقت و شناسه‌های مرتبط با صحت اخبار در جامعه مدرن انجام پذیرد. هرچند لازم به توضیح است که تنها آگاهی و ترویج باورهای فرهنگی در این بین کارساز نیست، بلکه اینها زمانی می‌توانند مخاطب ایرانی را در برابر بازی رسانه‌ای در موضع عاملیت قرار دهد که او خود به واسطه عوامل هم ارز و شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در ابعاد گوناگون تحت فشار نباشد تا بتواند با ثبات و رشد تمایز یافتگی در ورای گفتمان پراکنی‌ها، حقیقت موجود و متناسب با فرهنگ و ارزش‌های خود را درک نماید و در راستای آنها حرکت کند.

Karabulatova, I. S., Vildanov, K. S., Zinchenko, A. A., Vasilishina, E. N., & Vassilenko, A. P.^{۲۹}
Colliander, J.^{۳۰}
Sharma, K., Qian, F., Jiang, H., Ruchansky, N., Zhang, M., & Liu, Y.^{۳۱}

سپاسگزاری

پژوهشگران لازم می‌دانند از همه افرادی که در این پژوهش شرکت کرده و با اشتراک گذاشتن نظرات خود به پیشبرد این امر یاری رسانده‌اند تقدیر و تشکر کنند.

منابع

- آقا گل زاده، فردوس و دهقان، مسعود. (۱۳۹۲). «تحلیل شیوه های بازنمایی گزینش خبر، برمبنای رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی». دوماهنامه جستارهای زبانی، ۵(۴)، صص ۱۶-۱.
- آقا گل زاده، فردوس و طارمی، طاهره. (۱۳۹۵). «تحلیل زبان شناختی گفتمان های رقیب در پرونده بورسیه های تحصیلی: رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف». جستارهای زبانی، ۷(۶)، صص ۴۱۴-۳۹۱.
- امیری، فاطمه. (۱۳۹۱). «گفتمان بازگشت و بازتاب آن در سینمای دهه هشتاد شمسی». پایان نامه کارشناسی ارشد زبان، دانشگاه کاشان.
- برید نیکپور، فاطمه و رضاپور، محمد. (۱۳۹۲). گفتمان سازی پلی به سوی تحقق پیشرفت. کنگره پیشگامان پیشرفت، دوره ۴.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۷۹). گفتمان و تحلیل گفتمانی. تهران: فرهنگ گفتمان.
- پزشک زاده، سهیلا؛ اسمعیلی، معصومه؛ فرح بخش، کیومرث؛ فلسفی نژاد، محمدرضا و اسکندری، حسین. (۱۳۹۷). «واکای علل عود در سوء مصرف کنندگان مواد براساس مولفه های معنایی-ارزشی زبان (تحلیل گفتمان موردی)». اعتیاد پژوهی سوء مصرف مواد، ۱۲(۴۶)، صص ۷۴-۵۵.
- جهان جناقرد، میلا. (۱۳۹۹). «خشونت خانگی علیه زنان در ایران». قانون یار، ۱۵(۴)، صص ۹۰۹-۸۹۷.
- حسینی زاده، محمدعلی و شفیعی اردستانی، رضا. (۱۳۹۶). تحلیل دوره‌های زمانی گفتمان انقلاب اسلامی با تکیه بر رهبری امام خمینی (س). پژوهشنامه متین، ۱۹(۷۲)، صص ۴۳-۲۱.
- شریعتمدار، آسیه و قاسمی نیایی، فاطمه. (۱۴۰۰). «نقش تعاملی فرد-رسانه (مجازی و غیردولتی) در زمینه اخبار مرگ بر استرس ادراک شده و مقابله با آن در دوران قرنطینگی بیماری کووید-۱۹». روانشناسی سلامت، ۱۰(۱)، صص ۴۴-۲۱.
- صادقی، مصطفی؛ زنجانی، زهرا و قنبری، فاطمه. (۱۳۹۵). «خشونت خانگی با سلامت روان زنان متأهل». سومین کنگره ملی روان شناسی اجتماعی ایران، تهران، ۲۷ و ۲۸ اردیبهشت.
- صنایعی، علی؛ صالح زاده، رضا؛ صفری، علی و صولتی دهکردی، سیده بیتا. (۱۴۰۰). «کاربرد اینترنت اشیاء در الگوسازی مدیریت بحران انسانی دادگستری با رویکرد پیشگیرانه». فصلنامه رهیافت پیشگیری از جرم، ۴(۴)، صص ۵۹-۸۸.
- عظیمی، محمدحسن و شکرخواه، یونس. (۱۳۹۴). «کودک، رسانه و ارتباط متقابل». علوم و فنون مدیریت اطلاعات، ۱(۱)، صص ۹۴-۶۹.

فیلیس، لوئیز و یورگنسن، ماریان. (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی.

قاسمی، فائزه. (۱۳۹۴). «روش تحلیل گفتمان و مساله خود و دیگری». تحقیقات سیاسی بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، ۲۴، صص ۲۱۲-۱۸۵.

لاکلا، ارنستو و موفه، شانتال. (۱۳۹۳). هژمونی و استراتژی سوسیالیستی به سوی سیاست دموکراتیک رادیکال، ترجمه محمد رضایی. تهران: ثالث.

مددپور، محمد. (۱۳۹۳). فلسفه های پست مدرن غربی و گریز و گذر از مدرنیته. تهران: انتشارات سوره مهر.

مقدمی، محمدتقی. (۱۳۹۰). «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و نقد آن». معرفت فرهنگی اجتماعی، (۲)۲، صص ۹۱-۱۲۴.

Bullock, C. F., & Cubert, J. (2002). Coverage of domestic violence fatalities by newspapers in Washington State. *Journal of Interpersonal Violence*, 17(5), pp 475-499.

Colliander, J. (2019). "This is fake news": Investigating the role of conformity to other users' views when commenting on and spreading disinformation in social media. *Computers in Human Behavior*, 97, 202-215.

Dar, A. (2013). Domestic violence statistics. House of Commons Library [Online] Available

from: www.parliament.uk/briefing-papers/sn00950.pdf [Accessed 4.7. 2014] Dhalerup, D. (1992) Confusing concepts—confusing reality: a theoretical discussion of the patriarchal state. In Sassoon, A. *Women and the State*. Routledge: London. pp, 93-127.

Gillespie, L. K., Richards, T. N., Givens, E. M., & Smith, M. D. (2013). Framing deadly

domestic violence: Why the media's spin matters in newspaper coverage of femicide. *Violence against women*, 19(2), pp 222-245.

Hook, D. (2007). Discourse, knowledge, materiality, history: Foucault and discourse analysis.

In Foucault, *psychology and the analytics of power* (pp. 100-137). Palgrave Macmillan, London.

Karabulatova, I. S., Vildanov, K. S., Zinchenko, A. A., Vasilishina, E. N., & Vassilenko, A. P. (2017).

Problems of identificative matrices transformation of modern multicultural persons in the variative discourse of electronic informative society identity. *Pertanika Journal of Social Sciences and Humanities*, 25(J), 1.

Laclau, E., & Mouffe, C. (1985). *Hegemony and Socialist Strategy*, Londres-NuevaYork.

Laclau, E. (1994). *The making of political identities*.

Rad, M., & Torkmannejad Sabzevari, M. (2015). Association between domestic violence

against women with pre-invasive and invasive cervical lesions: a review study. *The Iranian Journal of Obstetrics, Gynecology and Infertility*, 18(176), pp1-10.

Sharma, K., Qian, F., Jiang, H., Ruchansky, N., Zhang, M., & Liu, Y. (2019). Combating fake news:

A survey on identification and mitigation techniques. *ACM Transactions on Intelligent Systems and Technology (TIST)*, 10(3), 1-42.

Slembrouck, S. (2004). *What is meant by discourse analysis*. Gent, Universidad de Gent,

<http://bank.rug.ac.be/da/da/htm> [consulta: marzo 2008].

Smith, A. M. (1998). *laclau and Mouffe: The radical democratic imaginary*. London:

Routledge.

Sharma, A., & Borah, S. B. (2020). Covid-19 and domestic violence: an indirect path to social and economic crisis. *Journal of family violence*, 1-7.

Van Dijk, T. A. (2017). *Discourse and power*. Bloomsbury Publishing.

نسخه پیش از انتشار

Reviewing and analyzing the discourse of domestic violence news in the context of virtual media

Abstract

The purpose of this research is to investigate the discourses caused by the spread of domestic violence news in the context of virtual media (Instagram, Telegram and WhatsApp) in the community. The present research was conducted with the method of critical discourse analysis; The research sample consisted of 15 married men and women in Khorramabad city, who were selected in a targeted way from among the available people according to the criteria of willingness to participate in the research, daily use of virtual media (at least 2 hours a day), university education, and physical and mental health. They were elected in 1400. The interview was conducted in a semi-structured manner and based on the axes of Laclau and Mouffe's theory. The results show that the spread of domestic violence news in virtual media is the emergence of the dominant discourse of social insecurity and loss of values; It is arguable that the central sign formed around the axis of social instability and mistrust forms its structure with equivalent themes so that finally the identity of the audience present in the scene is drawn as an identity in crisis and under pressure that the discourses that govern him are antithetical and They oppose his fixed worldviews and values. Strategies such as media literacy, awareness of social issues, increasing individual and social differentiation, the strength of social and family ties, and acquiring a solid philosophy of existence and value can break the structure of the dominant discourse. As a result, it can be said that knowing the upcoming process and trying to build

mutual discourses, in accordance with the intellectual, cultural and value context of the Iranian Islamic society, can prevent the spread of social harms, including domestic violence, and lead to the consolidation of individual and social values.

Keywords: discourse analysis, domestic violence news, virtual media

نسخه پیش از انتشار